

شعار «بخوان، ایران بخوان» آغاز فراخوانی بود که روزنامه ایران سرانجام در اول بهمن ۱۳۷۳ با عبارت به میان مردم آمدیم وارد فضای رسانه‌ای کشور شد و روی دهک‌های روزنامه فروشی جا گرفت. در دهه ۷۰ روزنامه ایران توانست بسرعت خود را در دل مخاطبانش بنشاند و حالا روزی با گذشت ۲۶ سال و آغاز بیست و هفتمین سال انتشار هنوز اعتبار و اعتماد خود را در میان مخاطبانش حفظ کرده است. اما با ورود به سال ۱۴۰۰ روزنامه ایران باید خود را برای عصری نو آماده کند. آن طور که کارشناسان حوزه رسانه می گویند: «باید فصل جدیدی برای روزنامه ایران رقم زد و به تولید خبر و محتوا بیش از پیش بهاداد به گونه‌ای که بتوان بستر مناسب برای شراکت جمعی و ارتباط تنگاتنگ دولت و مردم ایجاد کرد. آنها معتقدند با تغییر و تحولاتی که در جامعه ایجاد شده ضروری است در کار رسانه‌ای روزنامه ایران هم طراح سؤال از دولت باشد و هم پاسخگو به مردم.» و این مهم ترین مأموریتی است که باید این رسانه به آن بپردازد.

«ایران» باید روزنامه مرجع باشد



محمدمهدی فرحانی
استاد علوم ارتباطات

مورد اقبال مردم بوده است، بخصوص اینکه روزنامه به دلیل نزدیکی با دولت می‌تواند منبع موثقی برای حوزه های رسمی باشد و باید به نحوی عمل کند که مردم به عنوان منبعی قابل اعتماد اخبار دولتی را بتوانند پیگیری و به آن مراجعه کنند، همچنین اخبار رسمی را هم می‌توانند از طریق این روزنامه رصد کنند. نکته دیگری که باید اشاره کنیم این است

که روزنامه هایی مانند روزنامه «ایران» یک مشکل اساسی دارند. چون این روزنامه، ارگان دولت است، با تغییر دولت‌ها، سیاست و خط مشی آن نیز تغییر می‌کند و در نتیجه اعضای تحریریه، این روزنامه با تغییر دولت‌ها به لحاظ ناهمگنی شناختی، دچار مشکل می شوند. بسته به گرایش دولت‌ها، روزنامه «ایران» باید رنگ و بوی آن گرایش را داشته باشد، در نتیجه تحریریه ها می پذیرند که باید با خط مشی مشخص کار کنند و کار دچار اختلال می‌شود و روزنامه‌نگار را به لحاظ روحی و روانی تحت فشار قرار می دهد و دچار مشکل می‌کند. در کشورهای پیشرفته اصلی به نام قید وجدانی وجود دارد و چنانچه روزنامه‌ای به هر دلیلی تغییر سیاست و خط مشی داد، اعضای تحریریه با دریافت غرامت

ایام بیکاری از آن رسانه جدا شده و به رسانه‌ای می‌روند که با دیدگاه و نگرش آنها موافق باشد؛ در کشور ما مثل بازارهای دیگر، بیکاری و معیشت اجازه نمی‌دهد روزنامه‌نگاران محل کار خود را تغییر دهند، چون ممکن است نتوانند کار هم‌تراز و مناسبی پیدا کنند اما در هر حال من فکر می‌کنم روزنامه «ایران» بیش از هر چیز به این دلیل که ارگان دولت است، باید تبدیل به روزنامه‌ای مرجع برای مردم در حوزه رویدادها و اخبار و تصمیم گیری های دولت باشد و این امر مستلزم این است که رابطه‌ای دوسویه بین دولت و روزنامه وجود داشته باشد تا با زباندیده برنامه‌ها و سیاست‌های دولت برای مردم باشد، البته نباید تبلیغاتی باشد، چون اگر رسانه‌ای تبلیغاتی کار کند، مردم نسبت به آن بی اعتماد و ناباور می‌شوند.

بستری برای تربیت روزنامه نگاران جوان



علی اکبر قاضی‌زاده
پژوهشگر حوزه رسانه و ارتباطات

روزنامه ایران از همان ابتدای تأسیس، مؤسسه‌ای وابسته به ارگان دولت بود، به نظر دولت‌های مختلفی که سر کار آمدند، سبب شده‌اند، رویکردهای روزنامه نیز تا اندازه زیادی

با تغییر مواجه شود. اگر نگاهی گسترده داشته باشیم، متوجه می‌شویم از زمانی که روزنامه ایران شروع به

در چار چوب منافع ملی مطالبات مردم را ببینیم



فریدون مدیقی
روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگاری

تبدیل کند. در سال جدید شمسی که در آستانه آن قرار داریم، پیش از فکر کردن به چه باید‌ها، لازم است به چه نباید‌ها اندیشید. به حدی دامنه چه نباید‌ها، وسیع، معنادار و فراگیر است که دیگر جایی برای چه باید‌ها، باقی نمی‌ماند. بیش از دوده‌ها است که فکر می‌کنیم، بودن یا نبودن رسانه‌های مجازی و مکتوب چندان فرقی

رسالت مطبوعات



مصیب نهمی
مدیرمسئول روزنامه اوقاف

روزنامه اولین وسیله ارتباط جمعی در جهان است که از ۴۰۰ سال قبل ابداع شد و ایران نیز اولین کشور شرق است که نشریه مکتوب را حدود ۱۹۰ سال پیش به عنوان خط ارتباطی میان حکومت و مردم به کار گرفت. در گذر زمان روزنامه همانند علوم دیگر با تحولات شگرف همراه شده و از نظر محتوا و شکل بارها دستخوش تغییر بوده است. روزنامه‌نگاری نیز به عنوان یک حرفه تخصصی مراحل دشواری پشت سر گذاشته و صدها دانشکده و کالج در رشته‌های مختلفی این حوزه تأسیس شده است. هرچند با تنوع گسترده وسایل ارتباط جمعی رقیبای جدی و پرحادثه برای روزنامه‌ها پدید آمده و دهم‌ا نوع وسیله صوتی، تصویری و مکتوب در صحنه اطلاع‌رسانی با به عرصه وجود گذاشته اما روزنامه همچنان اعتبار و اعتماد خود را نزد مخاطبان حفظ نموده و عمده رسانه‌های نوین روزنامه را منبع اطلاعات خود می‌دانند یا اینکه سعی می‌کنند با انعکاس در آن هویت خود را اثبات نمایند. «ایران» نیز که از پیشگسوتان حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در جهان به شمار می‌رود، در علم



محمد باوری
نخستین دبیر حوادث «ایران»

پرسش برابیم پیش آمد مدیر روزنامه (آقای وردی‌نژاد) با چه انگیزه‌ای از ما قدیمی‌ها که از آغاز انقلاب از مطبوعات کناره‌گیری کرده بودیم خواسته آستین‌ها را بالا بزنیم و در مشارکت با جوانان خبرنگار، فعالیت روزنامه‌نگاری مان را زیر یک سقف را سر بگیریم. تا این که انتشار روزنامه ایران که در اندک مدتی با استقبال کم‌نظیر افکار عمومی پس از انقلاب اسلامی روبه‌رو شد

روزنامه‌ای پیشرو با حضور دو نسل زیر یک سقف

و نشان داد که بدون وابستگی و گرایش‌های سیاسی و جناحی پای در عرصه روزنامه‌نگاری گذاشته است. هدف از حضور مشترک دو نسل در زیر یک سقف نشان داد، تجربه‌های با ارزش و راهگشای قدیمی‌های مطبوعات همراه با پویایی و شوق نسل جوان خبرنگاران در کنار هم سبب شد در اندک زمانی پایه عرصه‌های مبتکرانه در روزنامه نگاری گرفتار رکود آن زمان بگذارند و به شوق استقبال روزافزون افکار عمومی از روزنامه ایران طرح‌های مبتکرانه‌ای را تجربه کنند و من که از آغاز انتشار این روزنامه در بخش حوادث فعالیت داشتم می‌توانم به نمونه‌هایی از نوجویی‌ها و ابتکارات ژورنالیستی این گروه اشاره کنم. یکی از تأثیر گذارترین ابتکار گروه حوادث روزنامه اقدام انسانی- اجتماعی این گروه در تغییر قانون تعقیب و مجازات معاندان به مواد مخدر بود تا نیمه دهه هفتاد به اعتبار صرفاً جرم شناخته می‌شد. هر روز در سراسر کشور

هزاران تن به جرم اعتیاد دستگیر و روانه زندان می‌شدند در حالی که مدام بر تعداد معتادان و زندانیان این بلای خانمانسوز افزوده می‌شد بی آن‌که چاره‌ای اندیشیده شود تا اینکه گروه حوادث، طی گزارش‌هایی این پرسش مطرح شد که چرا نسل جوان فضایی مطرح کرد: آیا موافق هستید به معنادانی پشیمان که راه نجاتی می‌جویند اجازه درمان داده شود؟ و جواب همه آنان مثبت بود. با چنین واکنش موافقی یک سؤال مطرح کردیم - آقایان پس چرا راه نجات را برای اسیران پشیمان اعتیاد فراهم نمی‌کنید و سرانجام با یاری دستگاه قضایی، قانونگذاران، تصویب کردند هر معتاد پشیمانی می‌تواند به‌عنوان یک بیمار با مراجعه به مراکز درمانی از اسارت مواد مخدر نجات یابد. با تصویب این قانون راه‌گشا بود مراکز درمانی خاص برای مداوی معتادان ایجاد شد و پزشکان اجازه یافتند، پذیرش و درمان معتادان را آغاز کنند.

■ چهارشنبه ۱ بهمن ۱۳۹۹

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۷۵۴۶



اگر دولت انتظار داشته باشد که روزنامه پایگاه تبلیغاتی باشد، به راحتی مخاطب خود را از دست می‌دهد، بنابراین باید بیشتر وجه اطلاع‌رسانی و ارتباطی روزنامه مدنظر باشد، چنانچه این گونه باشد، مشکلات هم از هر لحاظ کمتر خواهد شد. با توجه به گسترش فضای مجازی باید اخبار از فضای مجازی هم به راستی و با سرعت ایجاد پیدا کند و به عنوان سیگنال از منابع صحیح اخبار فضای مجازی نیز استفاده شود. شبکه‌های مجازی، دستاوردهای مهمی از نظر باز کردن مرزهای اطلاع‌رسانی داشتند، هرچند که در مقابل فیک نیوزها هم در آن زیاد هستند، اما مالک و معیار تشخیص اخبار درست برعهده روزنامه قرار دارد و می‌تواند از این اخبار استفاده کند.

اگر دولت انتظار داشته باشد که روزنامه پایگاه تبلیغاتی باشد، به راحتی مخاطب خود را از دست می‌دهد، بنابراین باید بیشتر وجه اطلاع‌رسانی و ارتباطی روزنامه مدنظر باشد، چنانچه این گونه باشد، مشکلات هم از هر لحاظ کمتر خواهد شد. با توجه به گسترش فضای مجازی باید اخبار از فضای مجازی هم به راستی و با سرعت ایجاد پیدا کند و به عنوان سیگنال از منابع صحیح اخبار فضای مجازی نیز استفاده شود. شبکه‌های مجازی، دستاوردهای مهمی از نظر باز کردن مرزهای اطلاع‌رسانی داشتند، هرچند که در مقابل فیک نیوزها هم در آن زیاد هستند، اما مالک و معیار تشخیص اخبار درست برعهده روزنامه قرار دارد و می‌تواند از این اخبار استفاده کند.

چون‌های دیروز و امروز در حوزه رسانه می‌توانند سبب شوند که دوباره این روند روبه رشد شود؛ امیدوارم نه تنها روزنامه ایران بلکه بقیه روزنامه‌ها هم دوباره به روزهای اوج خود برگردند و حال بهتری داشته باشند، این در صورتی است که مسئولان ما هم طاقت خود را بیشتر کنند و اجازه بدهند، جوانان بتوانند فعال‌تر کار کنند، البته حالا هم خیلی از مسئولان به این نتیجه رسیده‌اند که از آزادی مطبوعات به نفع آینده مملکت و نسلی است که در راه است، به تجربه‌های روزنامه ایران شادباش می‌گویم و برای تک تک آنها آرزوی موفقیت دارم.

شده در حوزه رسانه، با پدیده‌ای به‌نام کرونا هم روبه‌رو شده‌ایم که زیست اجتماعی را دچار تکانه‌های جدی کرده، حتی اگر کرونا هم ربور باید بدانیم که چگونه می‌توان با این پدیده برخورد کرد و آن را مدیریت کرد به نوعی که متضمن منافع ملی و سلامت و تندرستی مردم نیز باشد. مطالبات گشته شده باید به جد دنبال شود و همزمان هم بیشتر از درجه مطالبات مردمی در چارچوب مصالح و منافع ملی باید امور را دنبال کرد. روزنامه ایران در عین حال که روزنامه‌ای منتسب به دولت است، اما متعلق به مردم است و باید مطالبات و خواسته‌ها و مشکلات مردم را بدرستی منتقل کند تا به میزان امیدواری مردم وسعت بدهد. از وظایف روزنامه ایران، در گام نخست، خودآگاهی و بازآفرینی واحیا است و باید این اصول را به‌خاطر بسپارد.

دست و پنجه نرم کرده و احیاناً مورد بی‌مهری قرار گرفته اما به یقین در ساختار بنیادین این نشریه نگاه ملی و انقلابی منشا بوده و پس از هر مرحله توانسته است خود را ایران‌ساز نماید. البته شاید این کلام مانور که دیکته ن نوشته غلط ندارد در مورد روزنامه ایران نیز صدق کند اما نباید نیمه پر لیوان یعنی نقش‌های سازنده چنین نشریه‌ای را نظر دور داشت. اما در طول این مسیر پرهیجانی انسان‌های خوش فکر و اندیشمند کم نبوده‌اند که جایگاه اثرگذار این روزنامه را با سخنکشی حفظ نموده و برای اعتلای ایران از همه وجود و توان خود مایه گذاشته‌اند. دلیل این ادعا حضور چشمگیر صدها روزنامه‌نگار بنام در رسانه‌های جمعی کشور است که یا در روزنامه ایران آموخته‌اند یا تجربه خود را در این روزنامه به منصفه ظهور رسانده‌اند. بدیهی است روزنامه ایران با چنین پیشینه‌ای باید برای قرن آتی که در آستانه آن هستیم خود را آماده کند و از تجربه گذشته برای آینده بهره گیرد. شاید سخن از شرح استراتژی سال ۱۴۰۰ در این مقوله دشوار باشد اما به صورت گذرا می‌توان امکان دستیابی با آرمان‌ها را قابل دسترس دانست چرا که طی سال‌های اخیر و با جهش وسیع شبکه‌های اجتماعی روزنامه ایران توانسته است از اکثر روش‌های نوین استفاده نموده و همزمان با حفظ روند سنتی روزنامه‌نگاری در بیشتر شبکه‌های قابل

هزاران تن به جرم اعتیاد دستگیر و روانه زندان می‌شدند در حالی که مدام بر تعداد معتادان و زندانیان این بلای خانمانسوز افزوده می‌شد بی آن‌که چاره‌ای اندیشیده شود تا اینکه گروه حوادث، طی گزارش‌هایی این پرسش مطرح شد که چرا نسل جوان فضایی مطرح کرد: آیا موافق هستید به معنادانی پشیمان که راه نجاتی می‌جویند اجازه درمان داده شود؟ و جواب همه آنان مثبت بود. با چنین واکنش موافقی یک سؤال مطرح کردیم - آقایان پس چرا راه نجات را برای اسیران پشیمان اعتیاد فراهم نمی‌کنید و سرانجام با یاری دستگاه قضایی، قانونگذاران، تصویب کردند هر معتاد پشیمانی می‌تواند به‌عنوان یک بیمار با مراجعه به مراکز درمانی از اسارت مواد مخدر نجات یابد. با تصویب این قانون راه‌گشا بود مراکز درمانی خاص برای مداوی معتادان ایجاد شد و پزشکان اجازه یافتند، پذیرش و درمان معتادان را آغاز کنند.

ترغیب خانواده‌ها برای اهدای قلب مردگان مغزی‌شان برای پیوند به بیماران روبه مرگ از جمله تلاش‌های انسانی اجتماعی گروه حوادث بود که دکتر ماندگار نخستین جراح پیوند قلب در ایران توانست با پیوند قلب‌های اهدایی و به بیماران هم مرگ به روی قدم‌های جراحی زندگی بخش سرعت بخشد و در پی این روند انسانی- عاطفی است که هر سال هزاران انسان عاطفه‌جو داوطلب می‌شوند پس از مرگ قلب و دیگر اعضای پیوندی‌شان به بیماران نیازمند اهدا شود.

جنب مشارکت مردم در آزادی زندانیان بدهکار، گزارش‌های تکان دهنده در ماجرای شاهرخ و سمیه به نشانه بیگانگی نسل نوجوان با والدین و شرح جنایات خفاش شب در یادآوری هشدار دهنده یک عارضه جنایی شهری و ستون ویژه جویندگان عاطفه از جمله تلاش‌های قابل توجه گروه حوادث بوده است.



بهروز بهزادی
سرمدیر روزنامه اعتماد

روزنامه به مخاطب نیاز دارد و مخاطب نیز به روزنامه. این دوسوی قصه‌کار رسانه‌ای است که امروز در دنیا با تحولات بسیاری روبه‌رو شده است، اگر در گذشته روزنامه‌ها مهم‌ترین، قابل دسترس‌ترین، معتمد و امین‌ترین رسانه برای مخاطبان بودند، امروز پیشرفت علم و تکنولوژی تقریباً همه این صفات را از روزنامه‌ها گرفته و بین سایر رسانه‌ها تقسیم کرده است. به این ترتیب روزنامه باید تلاش بسیار کند و در این عصری که رقیبان بسیار دارد خود را حفظ و در دل مردم جا باز کند. یک راه، عرضه کالایی است که هیچ یک از رسانه‌های دیگر نداشته باشند. منظور بحث محتوایی است. این بحث محتوایی، خبر روز نمی‌تواند گاهی، ولی حواشی آن می‌تواند باشد. از نظر کارشناسان گرفته تا نظرات مردم، اخبار هنوز هم می‌تواند در نوع کارکرد یک روزنامه مؤثر واقع شود و مخاطبان زیادی را جذب کند. پس هنوز حرف‌های گری در کار روزنامه حرف اول را می‌زند. باید آواز شدم خبر راه همه رسانه‌ها دارند، ولی برخی اخبار تخصصی خاص یک رسانه است. چاپ این اخبار نقطه قوت روزنامه است و همین جان‌نثی می‌زنم به روزنامه

به روزنامه ایران عشقی عمیق دارم

ایران که روزنامه دولت است و مزیت نسبی انتشار اخبار و نظرات دولت یا بخش تکنوکرات کشور را دارد. درواقع روزنامه ایران اگر بگوشد بیش از گذشته در لایه‌های مختلف دولت ورود کند و تصمیمات تکنوکرات‌های دولتی در حوزه‌های مختلف، خبر و تحلیل دهد خواهی نخواهی نظر شمار قابل توجهی از مخاطبان را که مردم هستند به خود جلب و جذب خواهد کرد. البته گفتنی است روزنامه کاغذی به علت تأخیر در انتشار که ناشی از امر چاپ است شاید نتواند آنچنان که شاید و باید در انبوه مخاطبان نفوذ داشته باشد. راه آسان‌تر آن است که پروسه انتشار روزنامه در کنار نسخه چاپی، در صفحه اینترنت نیز تکرار شود البته با همان شکل روزنامه چاپی. چند کلمه هم درباره روزنامه ایران که عشقی عمیق به آن دارم. در واقع از روزهای آغازین این روزنامه در تحریریه حضور داشتم و همین حضور باعث شده است که خود را همیشه کار می‌ایرانی «ایران» ی بدانم به همین جهت پیشرفت کاری ما مؤسسه برابیم بسیار مهم است و به آن می‌بالم، چرا که من عضو کوچکی از بنیانگذاران آن بوده‌ام. امیدوارم «ایران» همچنان مانند ایران پایدار بماند و سالیان طولانی برای نسل‌های آینده رسانه‌ای داپنیز و قابل اعتماد، مثل امروز باشد. سالگرد و تولد ای موجود نازنین را تبریک می‌گویم.

نیاز دولت به یک رسانه به‌عنوان سخنگو

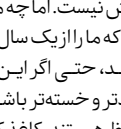
سیاست‌های حاکم بر رسانه هم تغییر می‌کند، مثلاً در دولت مرحوم هاشمی رفسنجانی، جهت‌گیری روزنامه با زمان آقای احمدی‌نژاد خیلی متفاوت بود. مشکلات هر مؤسسه دولتی الزاماً از داخل نیست و ممکن است از خارج هم تحمیل شود، با همه این اوصاف دولت، به یک رسانه به‌عنوان سخنگوی خود نیاز دارد و در حال حاضر هم مجموعه مؤسسه ایران و «ایرنا» این نقش را به‌عنوان سخنگویان ارتباطی هم ندارند و بر اساس اتفاقات در مجموعه دولت دستخوش تغییر و تحولاتی می‌شود، اگر نگاهی به اول بهمن سال ۱۳۷۳ یعنی زمان آغاز به‌کار این روزنامه ببینیم، می‌بینیم که سیاست‌های مختلف دولت‌های متفاوت، در طول این سال‌ها، در عملکرد آن تأثیر داشته است. وقتی دکتر فریدون وردی‌نژاد روزنامه را پایه‌گذاری کرد، شاهد کاری نو و جدید بودیم، در آن دوران، در حوزه مطبوعات بخش خصوصی کمتر ورود کرده بود و فقط روزنامه «همشهری» - مشابه «ایران» وجود داشت، شاید هدف‌گذاری هم این بوده که بخوانند مانند روزنامه «همشهری» رفتار کنند؛ در آن سال هائیرا هم بالا و قابل قبول بود، اما طبیعی است که با تغییر دولت‌ها، هم زنده است.



علیرضا بختیاری
مدیر مسئول روزنامه دیدی اقتصاد

به‌مناسبت سالگرد تأسیس روزنامه، به‌همکاران مؤسسه‌فرهنگی، مطبوعاتی ایران، عرض تبریک دارم. «ایران» روزنامه‌ای است که با محدودیت‌هایی مواجه است و در واقع به نوعی مالکیت خصوصی هم ندارد و بر اساس اتفاقات در مجموعه دولت دستخوش تغییر و تحولاتی می‌شود، اگر نگاهی به اول بهمن سال ۱۳۷۳ یعنی زمان آغاز به‌کار این روزنامه ببینیم، می‌بینیم که سیاست‌های مختلف دولت‌های متفاوت، در طول این سال‌ها، در عملکرد آن تأثیر داشته است. وقتی دکتر فریدون وردی‌نژاد روزنامه را پایه‌گذاری کرد، شاهد کاری نو و جدید بودیم، در آن دوران، در حوزه مطبوعات بخش خصوصی کمتر ورود کرده بود و فقط روزنامه «همشهری» - مشابه «ایران» وجود داشت، شاید هدف‌گذاری هم این بوده که بخوانند مانند روزنامه «همشهری» رفتار کنند؛ در آن سال هائیرا هم بالا و قابل قبول بود، اما طبیعی است که با تغییر دولت‌ها، هم زنده است.

راه دشوار «ایران»



نیلوفر قدیری
مدیرمسئول و سردبیر روزنامه همشهری

مورد نظر بنویسند. جمله یک روزنامه‌نگار قدیمی را به یاد دارم که هرسال در چنین مناسبت‌هایی می‌گوید، کار روزنامه نوشتن از خودش و درباره خودش نیست، اما چه می‌شود کرد در این یک روز در سالی که ما از یک سال بیشتر زنده‌ماندن خوشحال می‌کنند، حتی اگر این روزها از همیشه غربی‌تر، نامیدتر و خشن‌تر باشیم، مرتبه روزنامه‌ها را همه از حفظ هستند. کاغذ کم است، مردم نمی‌خوانند، اعتماد از دست رفته، ملاحظات و محدودیت‌ها هم همیشه هست. در این میان اگر روزنامه ارگان و دولت باشی، این مرتبه جان‌گذاز تر هم می‌شود، می‌تواند موضوعی کم‌رقم روزنامه‌های بخش خصوصی هم باشد.

البته خودش فصل دیگری از این داستان غم‌انگیز

چگونه امید را زنده نگه داریم اما متهم به ساده‌انگاری نشویم

می‌پردازد. یک سنت چپ‌گرایانه از نوع فرانسوی که ترکیب تعهد اجتماعی و ژورنالیسم را در یک لحن همیشه گلایه‌آمیز تعریف می‌کند؛ محملی برای خنک کردن دل به عنوان یک روزنامه‌ای که همیشه و در هر دوره‌ای وظیفه اصلی‌اش ایجاد دورنمایی نسبتاً خوشبینانه به آینده است روزنامه ایران است. وظیفه‌ای که گاه در قالب یک مأموریت غیرممکن خود را نشان می‌دهد؛ تنها روزنامه‌ای که باید در هر شرایطی از منفی‌بافی بگریزد و امکانات احتمالی بهبود اوضاع را به خواننده خود یادآور شود. روزنامه ایران است آن هم بی آنکه تخیلی و فرمایشی جلوه کند و از نواده‌های مردم و خواسته‌هایشان جدا شود. و این وظیفه‌ای بسیار سنگین است. این که به عنوان یک روزنامه‌نگار جقدر حق داریم برخی گزّی‌ها را نادیده بگیریم و بر احتمالات بعید اما خوشایند در مورد آینده پافشاری کنیم؟ چه کار کنیم که ضمن جدا شدن از قافله بدبینان حرفه‌ای هر دو بی‌پایان از اخبار و گزارش‌های یأس‌آلود غرق نشویم، چه وظیفه شیرینی، چه مأموریت شاقی! و خب روزنامه ایران در این چند سال اخیر تلاشی قابل تقدیر در این عرصه انجام داده است و در سال‌های آینده این مأموریت سخت‌تر هم می‌شود. راستش دلیل نمی‌بینم که وظیفه «ایران» در احیای امید را ساده‌تر از شرایط فعلی نشان دهد.



آرش خوشرو
سرمدیر روزنامه هشت صبح

در خط کشی‌های سیاسی میان رسانه‌های کشورمان موضع انتقادی و بدبینانه داشتن نسبت به شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور تبدیل به یک حرفه ملی شده است، حتی نزدیک‌ترین و خودی‌ترین رسانه‌های حاکمیتی هم در جاذبه تبدیل شدن به صدای مردم و گاه برای ردودن ابتکار عمل از دست شبکه‌های ماهواره‌ای، ترسان‌ترین سناریوهای اقتصادی و اجتماعی را برای مخاطبانشان مطرح می‌کنند. طنز ماجرا این جاست که عموماً این تنها موضعی است که یک عقل سلیم می‌تواند اتخاذ کند! اما خب نه همیشه. در ایران برچسب تعهد اجتماعی و رسالت ژورنالیستی این اجازه را به گزاراگر و خبرنگار می‌دهد که مخاطب خود را در مجموعه‌ای بی‌پایان از اخبار و گزارش‌های یأس‌آلود غرق نکند؛ این که بتوانند از میان رویه بدیه‌های متنوع تیراندازی نقطه نظر را به مخاطب منتقل کنند. عجیب است اما معمولاً تقسیمات سیاسی کشور هم به گونه‌ای بوده که در این نمایش بی‌پایان گزّی‌ها حتی صدا و سیما هم گوشه‌ای جانی شهری و ستون ویژه جویندگان عاطفه از جمله تلاش‌های قابل توجه گروه حوادث بوده است.